



ضمیمه نوجوان  
شماره ۶۵ | ۱۴ مرداد ۱۴۰۰

نوجوان  
۱۳۶۳



سید سپهر  
جمعه زاده

پای صحبت های زهرا چخماقی، مجری و خبرنگار صدا و سیما در مورد پیچ و خم راهی که طی کرده است

# خبرنگاری خانواده پای کار می خواهد

دوره نوجوانی چطور گذشت؟

من سال ۱۳۶۳ در بندرعباس متولد شدم. به همراه خواهر و برادرها در این فضای رسانه بزرگ شدیم و در این حال و هوا نفس کشیدیم. پدرم برنامه ساز تلویزیون و مادر من گوینده خبر بودند و در ایام کودکی برای تماشا به محل کار آنها می رفتم و پدر برای من و بقیه اعضای خانه کتاب و مجله و نشریات کودک و نوجوان تهیه کرده و برای ما بسیار قصه تعریف می کردند و با توجه به شرایط سنی من و بقیه، ما را با روزنامه و تلویزیون و تئاتر و سینما و موسیقی آشنا می کردند و در نهایت من و خواهرم زودتر از بقیه اعضای خانواده جذب کار رسانه ای شدیم. بیشتر علاقه من و خواهرم در حوزه فرهنگی، هنری و اجتماعی بود و هست.

پدر و مادر شما فعال حوزه خبر و رسانه بوده اند. این موضوع تا چه اندازه بر فعالیت رسانه ای شما تاثیرگذار بود؟  
اتفاقا در دوره نوجوانی علاقه چندانی به ادامه این کار نداشتم و صرفا برای من یک تفریح و کمک بود و به هیچ وجه فکر نمی کردم که در آینده شغل اصلی من رسانه باشد و حتی رشته من به رسانه هیچ ارتباطی نداشت اما حضور پدر و مادرم در رسانه برای من تاثیرگذار بود. نه به این معنا که کار خاصی برای شغل

من انجام دهند، بلکه به نوعی پیش زمینه کار و آگاهی و شناخت کار در رسانه را برای من مهیا کردند. جالب این که گاهی به دلیل کار بسیار آنها، ما نسبت به کار آنها بی علاقه می شدیم اما با گذشت زمان، تشویق های پدرم در نوجوانی باعث شکوفایی استعداد و توانمندی من در این راه شد. حتی آن زمان در نشریات مختلف متن و دلنوشته می نوشتم و در صورت چاپ بسیار ذوق زده می شدیم. کم کم با این اوضاع و احوال جذب کار شدم و پدرم سال ۷۶ برنامه ویژه ای برای نوجوانان در صدا و سیما مرکز خلیج فارس ساختند. من و خواهرم مجری و گزارشگر آن برنامه شدیم تا به پدرم در آن برنامه کمک ویژه ای کنیم. در برنامه های رادیویی مرکز خلیج فارس نیز گاهی اوقات به عنوان گوینده مشارکت داشتیم و در نهایت تمام این موارد باعث علاقه من به این عرصه شدند.



توصیه من به نوجوان های علاقه مند به این حوزه مطالعه بسیار از همین سنین است و قلم بزنند و سعی در ایجاد خلاقیت داشته باشند. فیلم ببینند و به موسیقی و رادیو گوش کنند و با آدم های مختلف گفت و گو کنند و مصاحبه و کتاب بخوانند

چه نکاتی از مادر به ویژه در کار خبر آموختید؟

خیلی در حوزه اجرا و نریشن خوانی و فن بیان و حتی به کارگیری یک سری اصول حرفه ای به همراه خواهرم از مادرم یاد گرفتیم و حتی هنوز به من کمک و ایراد و اشکال های کارهایم را اعلام می کنند، همیشه در پیشرفت کاری من و خواهرم از نظر محتوایی کمک کردند و واقعا نمی توانم بگویم که پدر و مادر من نقش کمی در پیشرفت من داشتند بلکه هر دور آنها از اصلی ترین اساتید من در زندگییم هستند. در حوزه کار خبر اساتیدی زیادی هستند، چه اساتید دانشگاه و چه اساتیدی در بین کارها با آنها ارتباط داریم، گاهی یک خبرنگار پیشکسوت که از ما بزرگ تر هستند می تواند حکم یک معلم را برای من داشته باشد اما به طور ویژه مادرم از آموزگاران من در خبر بود.

چه شد خانم چخماقی پتروشیمی را رها کرد و سمت کار خبر آمد؟

من در دبیرستان رشته ریاضی فیزیک را انتخاب کردم و در رشته نفت و پتروشیمی قبول شدم. خیلی از افراد فکر می کنند که من کار پتروشیمی را به بهانه کار خبر رها کرده ام اما من از همان ابتدا در پتروشیمی به صورت کاردانی قبول شدم و آن را هم به سرانجام رساندم اما در ادامه علاقه ای به فضای کار در آن رشته نداشتم و به هر حال اولویت من پتروشیمی نبود و وارد باشگاه خبرنگاران جوان شدم. اکنون نیز در دانشگاه صدا و سیما دانشجوی ارشد ژورنالیسم رادیو و تلویزیون هستم و برای من درس خواندن در کنار کار عملی بسیار کمک بزرگی شد.

در اوایل گفت و گو کاملا روشن بود که با خبرنگاری طرف هستم که بخش زیادی از اندوخته های علمی و مهارتی اش را مدیون خانواده است و از همان دوران نوجوانی به همراه خواهرش در کوچه پس کوچه های رسانه رفت و آمد داشته اند. مطمئنم خواندن این مصاحبه برای شما نوجوان های علاقه مند به کار رسانه ای خیلی مفید خواهد بود. اگر هم مسیر زندگی شما جدا از رسانه است به نظرم پای تجربیات و حال و هوای مسیر طی شده خانم چخماقی بنشینید. آموزنده است.

سال ۷۶ به تهران مهاجرت کردید. این مهاجرت چه تاثیری بر زندگی کاری و هنری شما داشت؟

بعد از بازنشستگی پدرم در صدا و سیما مرکز خلیج فارس ما به تهران مهاجرت کردیم و مادر من به تبعیت از پدرم انتقالی به صدا و سیما را گرفتند. نمی دانم در صورت ماندن در آنجا چقدر می توانستم موفق شوم. حتی این مساله باعث افزایش اعتماد به نفس در من شد.

بهترین و شیرین ترین لحظات زندگی شما؟

همراهی در کنار خانواده.

بزرگ ترین رویای شما چیست؟

راستش یکی از بزرگ ترین رویاهای من در عرصه کاری و زندگی ام آن است که احساس مفید بودن داشته باشم و دیگری این است که انقلاب اسلامی با توجه به آن آرمان های اولیه ای که دارا بود، بتواند به آن سرمنزل مقصود خودش برسد و روی آسایش و آرامش و رفاه و فرهنگ و سبک زندگی سالم را بتوانیم در کشورمان ببینیم.

فیلم ها یا کتب مورد علاقه شما؟

از فیلم ها: آژانس شیشه ای و بوی پیراهن یوسف. از کتاب ها: من او (رضا امیرخانی)، طوفان دیگری در راه است (سید مهدی شجاعی) و حماسه حسینی (شهید مطهری)

آیاتا به حال با نوجوان ها ارتباط داشته اید؟ به نظر شما چه

نیازها یا خلأهایی دارند؟

با نوجوان ها تاحدی در ارتباط بوده و هستم و سعی می کنم در صورت دیدار با آنها دیدگاه ها و تجربیات خود را به آنها انتقال بدهم. من کارشناس این حوزه نیستم اما می دانم که رها کردن آنها کار خوبی نیست. این را هم بگویم که من مدیون پدر و مادرم هستم که در دوره نوجوانی حواس آنها به من و خواهر و برادرانم بود و در زمانی که شاید نوجوان ها به حال خودشان رها می شدند که خوشبختانه این اتفاق برای ما رخ نداد.

تلخ ترین خبری که شنیدید چه بود؟

از دست دادن سردار سلیمانی یکی از تلخ ترین خبرهایی بود که من طی سال های گذشته شنیدم و نمی توانم تلخ تر از آن را متصور شوم و روز شهادت ایشان فضای تلخی در رسانه ایجاد شده بود و دلمان تلخ بود اما باید کار رسانه ای می کردیم یکی از سخت ترین کارهای خبر این است که با شرایط و حال بد باید کار را انجام دهی و روحیه خود را حفظ کنی و قوی باشی و از حرفه خود در آن عرصه غافل نشوی.

اگر خبرنگار نمی شدید چه حرفه ای را دنبال می کردید؟

من خیلی به این سوال فکر می کنم اما حس می کنم اگر وارد این شغل نمی شدم قطعاً وارد کاری شبیه این حرفه مثل کار هنری و فرهنگی می شدم؛ از برنامه سازی تا اجرا و حتی بازیگری مواردی است که به آنها فکر کرده ام.

اسم نمایشنامه زندگی خود را چه چیز می گذارید؟

«زندگی همین است!»

رابطه تحصیلات آکادمیک و دانشگاه با کار خبر چیست؟ آیا

این کار را یک مهارت می دانید یا یک رشته تحصیلی؟

به نظرم کار خبرنگاری از آن دسته کارهایی است که تحصیلات آکادمیک به موفقیت انسان می تواند خیلی کمک کند. هر چند خلاقیت و مهارت و استعداد و دیگر ویژگی های ذاتی به فرد برای بهتر شدن کمک می کند اما

